

طرح افزایش درک مطلب کودکان دبستانی

با هدف توسعه سواد خواندن

پایه:

نام و نام خانوادگی:

# پیدپای ریاضیات

## در کلاس درس



"دوره اول"

(میترا ثاراللهی)



## \* چمدانِ مادر بزرگ \*

روزی علی و حسین دو برادر مهربان تصمیم گرفتند تا به مادر بزرگشان برای تمیز کردن زیر زمین خانه اش کمک کنند. آنها چند ساعت مشغول کار بودند تا چشمشان به چمدان قدیمی کنار دیوار افتاد، کنجکاو شدند تا داخل آن را ببینند ولی اول باید از مادر بزرگ اجازه می گرفتند. پس سراغ او رفتند و در مورد باز کردن چمدان اجازه گرفتند.

مادر بزرگ با شنیدن حرف آنها لبخندی زد و گفت: خودم هم خیلی دوست دارم در چمدان باز شود تا عکسهای قدیمی خانوادگی را که در آن گذاشته ام ببینم ولی متأسفانه رمز قفل آن را فراموش کردم. برای همین آن را در زیر زمین گذاشتم تا زمانیکه رمز را به یاد بیاورم. علی و حسین که برای دیدن عکسهای قدیمی ذوق زده شده بودند به مادر بزرگ گفتند تا برای یادآوری رمز کمکش می کنند.

آنها بعد از تلاش بسیار و صحبت با مادر بزرگ به نتایج زیر رسیدند:

از رقم های عدد ۶۸۲ یکی از اعداد در جای درست است.

از رقم های عدد ۶۱۴ یکی از اعداد درست، اما در جای غلط است.

از رقم های عدد ۲۰۶ دو تا از این اعداد درست، اما در جای غلط هستند.

از رقم های عدد ۷۳۸ تمام اعداد غلط هستند.

از رقم های عدد ۳۸۰ یکی از اعداد درست، اما در جای غلط است.

علی و حسین با این اطلاعات و بعد از یک ساعت توانستند رمز چمدان قدیمی را پیدا کنند و با خوشحالی سراغ چمدان رفتند. مادر بزرگ که از نتیجه تلاش بچه ها خبردار شد، به آنها گفت: حالا که در چمدان را باز کردید، بیایید تا عکسها را ببینیم و با هم عکسها را ببینیم.

به این ترتیب علی و حسین عصر دل انگیزی را در کنار مادر بزرگ و در خانه اش سپری کردند.



فرزند با هوشم، متن داستان را با دقت بخوان و به سوالات جواب بده.

۱- آیا شما هم رمز چمدان را پیدا کردید؟ رمز را بنویسید.

۲- چند دقیقه برای پیدا کردن رمز زمان گذاشتید؟ آیا زودتر از علی و حسین رمز را پیدا کردید یا دیرتر؟ چه مدت؟

۳- چرا علی و حسین از مادر بزرگ برای باز کردن چمدان اجازه گرفتند؟

۴- حدیث یا جمله زیبایی در مورد احترام به بزرگترها بنویسید.

"معاونت آموزشی"